

میزگردی با حضور سه تن از نمایندگان مجلس، به بهانه تصویب شورا اول طرح ممنوعیت گیرنده‌های ماهواره‌ای

■ ممنوعیت گیرنده‌های ماهواره و گامهای مهمتر بعدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اشاره

بی‌گمان مبحث نه چندان تازه‌ی ماهواره، با آن حضور تهدیده‌کننده‌اش بر پهنه‌ی بی‌کران و بی‌مرز آسمان کره‌خاکی، یکی از پیچیده‌ترین مقولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بشر امروزین است. حضور ناگزیر، ولی پریواره‌ی این مرز نورد، می‌رود تا همی زوایای حواس بینندگان را به سیطره‌ی نفوذ خویش در آورد.

«مجلس شورای اسلامی» شور اول طرح ممنوعیت گیرنده‌های تلویزیون ماهواره‌ای را به پایان برد و همین امر بهانه‌ای شد تا کلیت مسأله ماهواره را با انتظاراتی که از قانون ممنوعیت داریم و گامهای مهمتر بعدی که باید در پی این مصوبه برداشته شود، در میزگردی با حضور سه نفر از نمایندگان مجلس، به بحث بگذاریم که حاصل آن را در صفحات آینده ملاحظه می‌فرمایید.

در این میزگرد، آقایان: حجة الاسلام و المسلمین سیدرضا تقوی نماینده تهران (پیشنهاد دهنده و بانی اصلی طرح ممنوعیت) دکتر حسن کامران، نماینده اصفهان (موافق طرح ممنوعیت) آقای ناصر توسلی زاده نماینده تربت حیدریه (مخالف طرح ممنوعیت) شرکت داشتند.

□ مجلس و پژوهش: سه سال پیش، یکی از ارگانهای معتبر آمریکایی به نام «سازمان مخابرات ملی و اطلاعات روز وزارت بازرگانی (N.T.I)» تحلیلی بسیار شگفت‌انگیز و روشنگر در ۳۰۰ صفحه منتشر نمود که فی الواقع می‌توان آن را ادامه‌ی نظریه‌ی «مک لوهان» در آئینه‌ی دهکده‌ی جهانی رسانه‌ها دانست. در صفحه اول آن کتاب پس از مقدمه، به این مبحث تأمل برانگیز اشاره‌ی تأکیدی می‌شود که: «رسانه‌ها می‌توانند عامل قدرتمندی در تغییرات سیاسی و اجتماعی باشند». در این کتاب قسطور و پرمفهوم، به تشریح چهار موضوع به عنوان محورهای اصولی نظریه «میدیا کراسی» یا «سلطه‌ی قدرت جهانی مطبوعات و رسانه‌ها به صورت مؤثر و نامریی» پرداخته و مفاد هریک از آن چهار مقوله، خط مشی، فلسفه و نقش رسانه‌های خبری و آموزشی جهانی را به وضوح مطرح می‌نماید.

یکی از آن محورها، جریان جهانی شدن رسانه‌های موجود در سالهای آینده است که با گسترش حساب شده و بی‌امان، در حال همه‌گیری و تشدید پوششی است و تأکید بر این مطلب «هدایت نما» دارد که آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی - به زعم نویسنده کتاب - باید در این جریان جامع و فراگیر، نقشی

اساسی داشته باشد و به عنوان محور و طراح و جهت دهنده این جریان جاری، در شرایط مسلط جهانی، تثبیت شود.

مسئله این است که امر بدیهی جهانی شدن رسانه‌ها، با عنایت به دستها و سیاستهای آشکار و نهان در پس پرده آنها، خود یک مسئله اقتصادی نیز محسوب می‌شود. بنابراین توجه به رسانه‌ها به عنوان یک عامل مبلغ و مروج پُر درآمد، باید بخشی از خط مشی سیاستهای اقتصادی آمریکا قلمداد شود و سرلوحه‌ی سیاست «رسانه سالاری» آمریکا قرار بگیرد.

طبق مسندرجات این فصل از کتاب، رسانه‌ها می‌توانند نقش عوامل سیاسی و اجتماعی آمریکا را در جهان ایفا نمایند و در گسترش ارزشهای اجتماعی و اقتصادی آمریکا در دنیا، فعالیت کنند. ضمناً آمریکا برای دسترسی به بازارهای جدید و پر جمعیت دنیا باید موانع مسوجود در راه سرمایه‌گذاری خارجیان را در رسانه‌های آمریکا کاهش دهد. استراتژی آمریکا و کمپانی‌های چند ملیتی روی این سه عامل ترسیم شده است:

۱- در سراسر دنیا، طبقه متوسط و مرفه که از درآمد مناسبی استفاده می‌برند، بیش از هر وقت دیگر علاقه به تفریحات و خوشگذرانی دارند و ساعات کار این عده کاهش یافته و

شنیداری» است تا «نوشتاری»؛ و از سویی، همین فرهنگ، نشان دهنده‌ی میزان تأثیرپذیری یا تحریک‌پذیری ایرانی نیز هست.

با این مقدمه، وارد متن اصلی بحث می‌شویم و اولین پرسش را از جناب تقوی می‌کنیم که چه تحلیلی از شرایط عمومی برنامه‌های ماهواره‌ای دارند و تصورشان از هدفهای کوتاه مدت و بلند مدت صاحبان اصلی ماهواره‌ها چیست؟

آقای تقوی: ماهواره پدیده‌ای است که زندگی بشر را در ابعاد مختلف تحت تأثیر خودش قرار داده است. یعنی یکی از ابزارهای مؤثر در تحقق نظم نوین جهانی را ما می‌توانیم ماهواره بدانیم، که البته این خودش بحثهای مفصلی دارد که علت محدودیت زمان و صفحات نشریه مجلس و پژوهش، من وارد آن بحثها نمی‌شوم. و اما اینکه تأثیری را که ماهواره روی افکار و اندیشه‌های مردم و فرهنگ ملتها می‌گذارد و یک تأثیر بسیار عمیقی هم هست، جای تردید نیست. اولاً این نظم نوین جهانی تحقق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه بینشها و سلیقه‌ها به هم نزدیک شوند. و اعضای کره زمین به صورت خانواری درآیند که در رأس این خانوار، یک هدایتگر مسلط باشد که هرچه می‌گوید - چون بزرگتر است، چون قدرتمند و صاحب ثروت است - حرفها و دستورها و خواسته‌هایش را دیکته می‌کند و دیگران هم باید بدون تعمق، همانها را عمل بکنند. بنابراین برنامه‌هایی که تدوین و تنظیم می‌شود طبعاً در این جهت

پژوهش

در عوض این گروهها دنبال وسیله‌ای هستند تا اوقات استراحت و اضافی خود را با آن صرف کنند. رسانه‌های الکترونیکی یکی از ابزارهای مهم برای جوابگویی به این تقاضاهاست.

۲- جمعیت جهان روبه افزایش است و گروه سنی ۵ تا ۳۰ سال در حال تشکیل بزرگترین گروه سنی است و مطابق آمار، ۹ کشور: چین، هند، اندونزی، ایران، کره، تایلند، ترکیه، پاکستان و برزیل، مراکز تجمع این گروه سنی هستند که باید تسخیر شوند.

۳- رسانه‌ها بسایند نمایشگر مدرنیزم، تجدد، نوگرایی و آزادی باشند.

اما وضعیت از نظر «الگوی مصرف محصولات رسانه‌ای» در ایران به چه نحوی و چگونه است؟ در میان کشورهای مختلف جهان، از نظر تعداد تلویزیون، در هر یک هزار، یک نفر تلویزیون دارد، اما ایران از سطح متوسط کشورهای جهان سوم، خیلی بالاتر است. (به تعبیری از سطح کشورهای متوسط جهان، خیلی برتر و بالاتر است) ولی از طرف دیگر می‌بینیم که میزان گرایش به رسانه‌های دیگر، مانند مطبوعات، بسیار کم است. یعنی نشان می‌دهد که ایرانی بیشتر فرهنگش «دیداری -

گزارش ویژه

اخلاقی و اعتقادی را بشکنند و سپس این ملت‌ها را که از خودشان بیگانه شده‌اند، به حلقه‌ی اسارت بار خود متصل کند، تا در آن فرهنگی که ماهواره‌داران در صدد ترویج و همه‌گیرشدنش هستند مستحیل شوند و در نهایت نظم نوین جهانی به تعبیر خودشان تحقق پیدا بکند. در کمیسیون مجلس هم روی این نکته تأکید بسیار شد، در جلسات علنی مجلس هم نمایندگان محترم پیرامون اهمیت این حوزه‌ی فرهنگی صحبت کردند. ما الآن بعد از تصویب این طرح دنبال این خواهیم بود که از شیوه‌ها و سرویس‌هایی استفاده کنیم که بتوانیم در مجامع بین‌المللی برای این هجوم امواج لجام‌گسیخته و فرامرزی، حد و مرزی در جوامع تعیین کنیم. این واقعیت را به دنیا به قبولانیم که ما و دیگر کشورهایی که علاقه‌مند به فرهنگ و ملیت و تمدنشان هستند، از «رسانه سالاران» جهان و مجامع بین‌المللی می‌خواهیم که برای حفظ استقلال فکری و فرهنگی، حفظ هویت ملی ملت‌ها، باید یک حد و مرزی محترم شمرده شود. مثل حد و مرزهای جغرافیایی. منظور این است که مسائل جغرافیا که صرفاً مربوط به سرزمینها نیست که دریاها و کوهها و جنگلها و رودخانه‌ها و امثال اینها را شامل بشود؛ بلکه حد و مرزهای فضایی را نیز ما باید واقعاً رویش فکر کنیم و بیندیشیم. همانطور که یک هواپیما تا اجازه نداشته باشد نمی‌تواند و مجاز نیست که از فضای

است که می‌خواهند ملیتها را که یکی از عوامل مقاومت با سلطه‌ی پدر سالارانه‌ی قدرتهاست، از سویی، اعتقادات دینی و فرهنگی را هم که همیشه سدی در برابر افکار الحادی و شیوه‌های استعماری آنان بوده از سوی دیگر، متزلزل و آسیب‌پذیر کنند. باید با برنامه‌های ماهواره‌ای که توسط برنامه‌ریزان غربی و قدرتهای ماهواره‌ای طراحی می‌شود، این دژها و این مرزهای مقاومت، در هم شکسته شود و تا یک آشفتگی عظیم در فرهنگ ملت‌های حافظ سنت و هویت خود، به وجود بیاید. ملت‌ها کلاً تحت تأثیر این برنامه‌ها، سرانجام هویت خودشان، را از دست خواهند داد. شخصیتشان، مسخ خواهد شد و رشته‌ای از امواج صوتی و تصویری بر گردن ملت‌هایی که صاحب قدرتهای مستحکم معنوی نیستند می‌اندازند و به هر کجایی که می‌خواهند می‌برند. «رشته‌ای برگردنم افکنده دوست، می‌برد هر جا که خاطر خواه اوست»

این برنامه‌ها که با شیوه‌های هنرمندانه و بارنگ و صوت و تصویر و نور عوام فریبانه و جوان‌پسندانه طراحی و ارائه می‌شوند و به صورت یک جذابیت غیرقابل مقاومت در می‌آیند و کلاً انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌کشاند به آنجایی که خود آنها می‌خواهند. بنابراین در نهایت هدف ماهواره‌ها، یک چنین رسالتی است که این آشفتگی را به وجود بیاورد و این مرزهای



میزگرد

حجت الاسلام والمسلمین سید
رضاتقوی، نماینده تهران و رئیس
کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی:

* رسالت ماهواره‌ها و قدرتهای
ماهواره‌ای، تحقق نظم نوین
جهانی است.

* هنرمندان ما در تکنیکهای
هنری تخصص دارند، اما نسبت
به مسائل ارزشی و مبانی فقهی،
بیگانه‌اند؛ فقهای ما هم نسبت به
مسائل تخصصی آن آشنایی
کامل و کافی را ندارند. اینجا
باید تلاش شود تا بتوان این دو
قشر را به یکدیگر نزدیک کرد.
نیاز به یک حلقه‌ی اتصال داریم
تا آن مبانی فکری را به مبانی
عملی نزدیک کنیم.

کشوری عبور بکند، پس چرا باید این اجازه
را داشته باشند که بیایند خلوت آدمیان و
مأمن خانه‌ها را در تمام لحظات شب و روز
اشغال کنند و بر ذهنها و فکرها هم اثر
بگذارند و در فرهنگ و هویت خانواده‌های
معصوم آشفتنگی ایجاد نمایند.

مطلب دیگری را هم که جنابعالی اشاره
فرمودید- جامعه را قشر جوان و نوجوان
تشکیل می‌دهند و بینندگان تلویزیون و
شنوندگان رادیو در طی سالهای اخیر افزوده
شده‌اند مطلب درستی است؛ اما با این قشر
جوانی که فرهنگ به اصطلاح «دیداری و
شنیداری» دارند چگونه باید برخورد کنیم؟
این یک مسأله بسیار حساسی است که من
هم علاقه‌مندم در این میزگرد به طرح اصول
و کلیات قابل اجرای آن بپردازیم.

□ مجلس و پژوهش: حاج آقا
تقوی اشاره کردند به یک نظم نوینی
که در دنیا دارد شکل می‌گیرد و
تکنولوژی هم حالا به مدد آن نظم
آمده و یک الگوی همه‌گیر و
جهانشمول را می‌خواهند به عنوان
الگوی مشترک زندگی در دنیا، به
عنوان بخشی از آن استراتژی کلی

خاص همان زمان، شرایط مناسبی را به نفع خود ایجاد بنمایند که پشوانه‌ای باشد برای اهداف سیاسیشان. در عصر حاضر، به همین دلیل «ژئوپلیتیک اطلاعات» یک عنوان شفافی است که در بحث‌های قدیم ارتباطات جزو عناصر دولت نبود. ولی امروزه ارتباطات یکی از ارکان پنج‌گانه دولت‌ها شده است. امروزه هزینه‌های تبلیغاتی، بیشتر از هزینه‌های تسلیحاتی است. با این تعبیر این سؤال مطرح می‌شود که این تغییر استراتژیک در عصر حاضر مربوط به چیست؟

نخست اینکه خواه ناخواه ارتباطات به عکس گذشته، سنتی و سطحی نیست، بلکه یک ارتباطات فضایی است. معنا و مفهومش این است که باید زمینه‌های مناسب روانی برای پذیرش القانات قبلاً ایجاد بشود. خیلی از حمله‌هایی که به کشورهای جهان سوم می‌شود ابتدا با ابزار تبلیغاتی زمینه‌های تهاجمش فراهم می‌گردد. حتی نوعی جنگ روانی به وجود می‌آورند و وقتی ملتی آسیب‌پذیر شد، حمله نظامی هم در پی خواهد داشت. حالتی که در حلیج فارس نسبت به عراق به وجود آمد و یا در هائیتی و جاهای دیگر. کما اینکه راجع به جمهوری اسلامی ایران هم گاهی اتفاق افتاده، سوژه‌هایی را علم کرده‌اند و خیلی‌ها که از شرایط حقیقی مابین خبر هستند بعضی وقتها باورشان می‌شود که نکند که شارحان فریبکار این قبیل شایعات، درست

نظم نوین جهانی، گسترش بدهند. خوب این یک نگاه فرهنگی است، البته به وضوح دیدیم که امریکاییها فقط هدفهای فرهنگی را دنبال نمی‌کنند، اهداف دیگری هم دارند. آنها در پی دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی هم هستند، همین آقای «مورداک» مالک «تی وی استار» ۶۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری اولیه‌اش را طی یک سال از محل تبلیغاتی که در منطقه برای کالاهای صادراتیشان کرده، به دست آورده است. از نگاه سیاسی هم خودشان معتقدند که کاربرد آنتن‌ها خیلی قوی است که این قضیه اختطار به «بی‌بی‌سی» که سیاستهایش را در منطقه هند و پاکستان با آمریکا هماهنگ کند، خود یک نمونه است. حال سؤال این است که دامنه این تأثیرات - از اقتصادی گرفته تا فرهنگی و سیاسی - تا کجاست؟ جناب آقای دکتر کامران شما بحث را ادامه بدهید.

آقای دکتر کامران: ضمن تشکر از برادران مرکز پژوهشها که این زمینه را فراهم آوردند تا بحثی راجع به این موضوع مهم بشود و همین‌طور تشکر می‌کنم از همکارانمان در مجلس که با رأی قاطعشان در شور اول، به کلیات طرح ممنوعیت ماهواره رأی مثبت دادند.

اصولاً دولت‌های سلطه‌گر در هر یک از مقاطع زمانی، سعی کردند با تاکتیک و ابزار

خود ما با استناد به همین میزگردها، همین بحثها را به کلاسهای درس هم بکشاند، به هر حال در ابعاد مختلف به گونه‌ای عمل می‌شود که قدرتمدار بتواند اهداف سیاسی‌اش را پیاده کند. وقتی اهداف سیاسی هم پیاده شد، اهداف اقتصادی هم پشت آنها پیدا می‌شود و بعد اهداف فرهنگی است. شما در همین کشورهای جهان سوم دیدید که در اغلب موارد آمریکا تنها با رسانه‌های فرهنگی و سیاسی خود حاضر شد. در نتیجه روحیه ابتکار و قدرت اندیشه ملتها کم رنگ و خود جامعه تبدیل به یک جامعه‌ی مصرفی گردید. یعنی اهداف اقتصادی که دنبال می‌کنند پیوند دارد با اهداف سیاسی. به خصوص که امروز ارتباطات از نوع فضایی است. و به همین دلیل به صورت منطقه‌ای برخورد می‌کنند. کما اینکه شما در همین جریان صهیونیستها دیدید که حتی شورای همکاری خلیج فارس خیلی مواضع‌اش کم رنگ شد و به راحتی با سفیر آمریکا جلسه می‌گذارد. قبلاً این جراتها را نداشتند یعنی خواه و ناخواه نقش تبلیغات و زمینه‌سازها و تهدیدات، در فراهم کردن زمینه‌های فکری از قبل، حتی نفوذ در افکار کارگزاران سیاستهای دولتی که آنها هم از تأثیر تبلیغات در امان نیستند، بسیار مؤثر است. البته بعد از آن هم وقتی این زمینه‌ها فراهم شد نیاز پشتوانه نظامی هم پیش می‌آید که همه اینها در یک مجموعه جمع می‌شوند و اهدافشان را پیدا می‌کنند. این است که قطعاً در ارتباط با ماهواره‌ها باید یک نگاه سیاسی هم به مسأله

می‌گویند؟ و اخیراً هم نسبت به هائیتی همین کار را کردند و نسبت به بوسنی هم شما می‌بینید که گاهی وقتها میزگردهایشان، تحلیل‌هایشان حرفهایشان، این زمینه تهاجم را ایجاد می‌کند. یعنی اول بهانه‌ها شروع می‌شود، بعد زمینه تبلیغات سوء گسترده و مستمر می‌گردد و سپس حرکتهای نظامی و سیاسی آغاز می‌شود. نتیجه اینکه قطعاً وقتی که ماهواره (یا دیگر ابزاری که ممکن است بعدها پیدا بشود یا ابزاری که از قدیم بود)، به عنوان زمینه‌ساز آمادگی برای تهاجم فرهنگی گردید باید هوشیارانه در انتظار عواقب بعدی آن بود. چون در اینجا بحث تکنیکش هست و آن بستگی دارد که چه نوع ابزاری ساخته شود و همراه فرهنگ تازه به داخل کشور بیاید. فعلاً بحث عوارض ماهواره است. مثلاً «بی. بی. سی» این میزگرد سیاسی دارد. ممکن است این میزگرد سیاسی مطالب خوبی هم داشته باشد، چراغ سبزهایی هم نشان بدهند. اما این میزگرد سیاسی هم ممکن است بعد تبدیل بشود به اهدافی که پشت پرده دارند. و خیلی بحثها ممکن است کلاسیک هم بشود حتی وارد دانشگاه‌هایمان بگردد و در کتابهای درسی بیاید، یعنی چه بسا حتی استاد یک کشور جهان سوم یا حتی استاد

بکنیم همیشه اهداف سیاسی و اقتصادی هم به دنبال هدف فرهنگی است.

طرح رای داد، معتقدیم این استدلال در مورد ماهواره صادق نیست. چراکه مسأله ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای هم از لحاظ گسترش و توسعه، هم از لحاظ تأثیری که بر فرهنگ عمومی جامعه می‌گذارد، نه فرهنگ شخصی افراد است و نه مسأله‌ای خصوصی و فردی است. پدیده ماهواره بر فرهنگ عمومی جامعه اثر می‌گذارد.

نظام وظیفه بسیار سنگینی در برخورد با یک چنین جریانی را دارد و بنابراین مجلس باید تکلیف مردم را در رابطه با نوع برخورد با این پدیده مشخص بکند. همین ضرورت و نیاز بود که چنین طرح «سنجیده و در سطح گسترده بررسی شده» به مجلس ارائه شد.

مطلبی اینجا وجود دارد و آن این است که بعضیها می‌گویند شما با تصویب چنین طرحی جلوی انتخاب مردم را می‌گیرید. بگذارید مردم خودشان راه راست و اصول اخلاق خانوادگی را انتخاب بکنند، شما چرا جلوی انتخابشان را می‌گیرید؟ انتخاب هم آزاد است فرض کنید که سیمای جمهوری اسلامی ایران برنامه دارد، فلان کشور هم که از طریق ماهواره برنامه‌هایش را می‌فرستد برنامه دارد. بگذارید مردم انتخاب کنند. شما برنامه‌هایتان را پرجاذبه‌تر بکنید. این پرباری و تنوع برنامه‌ها می‌تواند یکی از عوامل مبارزه با سلطه‌ی ماهواره‌ها باشد.

این مطلب هم جوابش مشخص است

□ مجلس و پژوهش: در این که ماهواره یک تهاجم سه ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور است، تردیدی نیست. ما، باید حتماً سنگرهای مستحکمی بنا کنیم و خود را به «نحو مناسب» برای مقابله آماده نماییم. جناب آقای تقوی! شما که در واقع بانی طرح «ممنوعیت کاربرد آنتنهای ماهواره» بوده‌اید، تا چه حد طرح ارائه شده به مجلس را برای تأمین این اهداف کافی می‌دانید؟

آقای تقوی: ما معتقدیم که مجلس به عنوان یک دستگاه رسمی و یا یک رکن از ارکان نظام جمهوری اسلامی که حد و مرزها را مشخص می‌کند، باید نسبت به این گونه پدیده‌های فراگیر که اثرات بسیار زیادی بر زندگی مردم دارند، تصمیم قاطع بگیرد و تکلیف مردم را روشن کند. بعضی‌ها می‌گویند که مسأله ماهواره از امور شخصی مردم است که مثلاً شخصی در خانه‌اش یک دستگاه گیرنده گذاشته و می‌خواهد با این گیرنده برنامه‌ای را بگیرد. انسان در محدوده‌ی زندگی خودش آزاد هست و تا جایی که آزادی او به آزادی دیگران لطمه وارد نکند، هیچ نظام و حکومتی نمی‌تواند مانع او بشود. ولی ما که دنبال این طرح بودیم و مجلس که به این

کتابخانه فقهیه



دکتر حسن کامران، نماینده اصفهان و عضو کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی:

* دولتهای سلطه‌گر در تمام طول تاریخ، بویژه در دهه‌های اخیر، همواره در کمین فرصتهای مطلوبی بودند تا با تاکتیک خاص، برای اعمال اهداف سیاسی، نظامی خود از طریق ابزار و تکنولوژی مخصوص همان زمان، علیه کشورهای مظلوم، وارد گود مبارزه شوند.

* در ارتباط با ماهواره‌ها، علاوه بر دیدگاه فرهنگی و سیاسی، باید به اهداف اقتصادی و نظامی ماهواره داران نیز، هوشمندانه توجه داشت.

که ما در اینجا مردم را نباید در برابر یک جریانی، آزاد بگذاریم که آن جریان، به هویت و شخصیت یک ملت لطمه وارد می‌کند. اینجا چون مجموعه عظیمی از زن و کودک، جوان و نوجوان را (که حتی قدرت انتخاب را ندارند) در برمی‌گیرد پس بنابراین آن مجموعه عظیم را شما چه می‌گویید؟ این هم یک نکته که باید به آن توجه شود.

می‌گویند شما در طرح جلوگیری از ویدئو موفق نبودید و بعد هم آمدید و آن را آزاد کردید. اصلاً این مسأله با ویدئو خیلی فرق دارد، زیرا در آنجا انتخاب فیلم حداقل با افراد خانواده بود ولی در اینجا دیگر حتی انتخاب هم با آنها نیست. ما معتقدیم این طرح در مرحله اول رسالتش این است که به فرهنگ مهاجم و لجام‌گسیخته‌ی بیگانه «نه» بگوید؛ آن هم از یک جایگاه بلندی مثل مجلس شورای اسلامی.

یک مطلبی که این طرح دنبال می‌کند، این است که بالاخره ما معتقدیم نظاممان یک نظام اسلامی است و بینشمان بینش خاصی است و باید از مرزهای فرهنگی و اعتقادیمان حفاظت و حراست بکنیم. چرا

گزارش ویژه

چیزهایی را تزریق می‌کند و در قالب برنامه به وسیله امواج ارائه می‌دهند که با اخلاق جامعه ما در تضاد است. لذا صیانت و حفاظت از اخلاق جامعه و به ویژه خانواده، رسالت دیگر این طرح است که باید به آن عمیقاً و مسئولانه توجه کرد.

کسانی که مخالف این طرح هستند گناه زمزمه مخالفت سر می‌دهند و می‌گویند که این طرح توان اجرایی ندارد. می‌گویند شما اگر در تهران و حول و حوش تهران این طرح را پیاده کردید، مرزها را می‌خواهید چه کنید. ما در این پاسخ می‌گوییم که رسالت این طرح، مشخص کردن حد و مرزهای قانونی است. و ما اعتقاد نداریم که همه‌ی مردم قانون شکن هستند بسیاری از این مردم هستند که به قانون احترام می‌گذارند و ما اگر برایشان قانونی را مشخص و به صورت قانونی ابلاغ کنیم، مردم تبعیت خواهند کرد. حالا چه این مردم در تهران باشند و چه در حاشیه مرزها، فرقی نمی‌کند. این هم رسالت دیگر این طرح است که در واقع باید این مسأله را مشخص و روشن بکند.

□ مجلس و پژوهش: حاج آقا تقوی اشاره دارد که این طرح بیش از هر چیز، نظام ارزشی را مطرح می‌کند. ما هم اعتقاد داریم که واقعاً مردم ما، مردم قانون شکنی نیستند. جناب آقای توسلی زاده! شما که در زمره مخالفان طرح ممنوعیت جمع‌آوری آنتنهای ماهواره بودید،

که پاسداری از مرزهای فرهنگی، مثل پاسداری از مرزهای جغرافیایی، واجب است. که ما در مرزهای جغرافیایی نگهبان و دیده‌بان داریم که دشمن نفوذ نکند، چرا نباید دیده‌بان فرهنگی داشته باشیم؟

مسئله را در یکی از کتابهای فقهی می‌دیدم که یکی از فقهای بزرگوار ما در ارتباط با همین موضوع مرز و مرزبانی بحث کرده بود. ایشان در آنجا می‌گویند که مرز را نباید به مرزهای جغرافیایی تفسیر کرد بلکه از هر نقطه‌ای که دشمن از آن نقطه بخواهد نفوذ کند و ضربه بزند، همان جا مرز است. حتی امروزه در این سرزمین مقدس، محدوده‌ی خانواده‌ها و حصار خانه‌ها، مرز هستند و مرزبانانش اعضای خانواده‌ها هستند و در سطح وسیعتر، مرزبانانش حکومت و دست‌اندرکاران نظام هستند که این مرزها را یعنی خانواده‌ها و بنیان خانواده را باید صیانت و حفظ کنند. یکی از مسائلی که این «طرح» دنبال می‌کند، مرزبانی و مرزداری در عرصه‌ی فکر و فرهنگ است. نکته دیگری که باز این طرح دنبال می‌کند این است که ما هسته بسیار مهم و مقدس اجتماعی را به نام «خانواده» داریم که بسیاری از شخصیتها و نیروهای جامعه ما از بطن همین خانواده‌ها بیرون می‌آیند و اجتماع را تشکیل می‌دهند، ما معتقدیم که برنامه‌های ماهواره ارکان مقدس خانواده را متزلزل می‌کند. چرا که با اخلاق ملی و اخلاق اسلامی ما سازگاری ندارد، چرا که

بایستند و جلوی منکر را بگیرند. اینها قوانین الهی هستند و لازم الاجرا و واجب الأطاعه. اشاره بود که برای اجرای هماهنگ و یکنواخت، نیاز هست که قانون در اختیارشان باشد اما وقتی می‌بینیم تعریفی که از ماهواره ارائه می‌دهند و پیشرفت این قضیه که در آینده مثل امواج رادیو و امواج تلویزیونی، هر کس دکمه را بزند می‌تواند از ماهواره استفاده کند و یا هر که یک قطعه کوچکی در داخل تلویزیون به کار بگیرد می‌تواند از ماهواره استفاده کند، ما با این قانون - که شور اولش هم به پایان رسیده - نمی‌توانیم ممانعت از این برنامه‌ی فراگیر بکنیم. اصل موضوع واقعاً خطرناک و کمرشکن است یعنی خطر ماهواره‌ها بسیار از نظر اعتقادی، جدی است. در همه ابعاد اثر می‌گذارد بر مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حتی معاشرتهای زندگی. اگر آنقدر دیدگاهها وسیع باشد و به تعبیر قرآن «فبشر العباد الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه» افراد در این مرتبه باشند دیگر نباید بحث کنیم. اما افراد، همه در این مرحله و حد نیستند، آنقدرها در مرحله عبادی نیستند که خود ساخته باشند و بتوانند گزینش کنند و بهترین اقوال را به استخدام بکشند و بقیه را به دور بریزند. بلکه آنان که از قبیله‌ی «لایشعرون» هستند و به استخدام منهیات در می‌آیند. این یک مسأله جدی و اصولی است.

□ مجلس و پژوهش: پس شما در آثار تخریبی ماهواره تردید ندارید، اگر این طور است وظیفه ما در

می‌نویسد

ابتدا در پاسخ بفرمایید که تا اینجای قضیه، چقدر همراه هستید که تأثیر تخریبی ماهواره غیرقابل تشکیک است و بعد پاسخ بفرمایید که آیا واقعاً با این طرح و تصویب آن، مقوله بفرنج «ماهواره» به پایان می‌رسد؟

آقای توسلی زاده: برای عزیزان و سروران که خودشان هم صاحب‌نظرند و بحمددا... طراح و مبدع و دستشان هم توی کار بوده و هست، مسأله کاملاً روشن است. آقای تقوی و آقای کامران و برادرهای دیگر هم که دیدگاههای وسیعتر و بهتر و ظرفیتتری را ارائه دادند. ولی من وقتی اصل طرح را مطالعه کردم در صحن مجلس، با توجه به شرایطی که برای ماهواره‌ها پیش آمده و در آینده ممکن است مشابهش پیش بیاید، بنده این طرحها را کافی برای اهدافی که داریم نمی‌دانم و شخصاً این ادعا را دارم که ما اصولاً کمبود قانونی هم نداریم. واقعاً دولت می‌تواند راحت با کمک دستگاه قضایی عمل کند. قانون منکرات را داریم، امر و نهی از منکر را در شرع مقدس داریم، اداره مبارزه با مفاسد اجتماعی را هم داریم؛ همه‌ی اینها در اختیارشان است، می‌توانند تحت هریک از آن عنوانها مقابل قاچاق کالاهای ممنوعه و بهره‌وری از منهیات

این حالت چیست؟ آیا تکلیفی بر ما نیست؟

ماجرای برخورد کنند.

باید این مسأله را هم مثل مسأله «ایدز» بزرگنمایی بکنند. در رابطه با این موضوع من عرض همین بود که اگر بنیه ایمان و اعتقادی افراد را تقویت کنیم که به عنوان یک مسأله حرام به سراغ آن نروند، این خیلی مهمتر از «دیش بر چیدن» از فراز بامهاست. باید به مردم تفهیم بشود که مراجع عظام این پدیده را تحریم کرده‌اند (همانطور که حضرت آیت الله اراکی تحریم کرده است). ما همین طور روی ماهواره مانده‌ایم. خود گیرنده ماهواره شکل‌های گوناگون دارد، اصلاً کسی هم شاید توی تلویزیونش متوجه نشود که گیرنده ماهواره‌ای هست یا نه؟

ما استفاده از برنامه‌های ماهواره را که (مبلغ) فرهنگ بیگانه و اشاعه دهنده‌ی شرک و فساد است یک هجوم استعماری می‌دانیم و آن را تحریم می‌کنیم. این یک وسیله‌ی استعمار فرهنگی است و ما باید روی تحریم بیشتر آن کار کنیم. خانواده‌های مذهبی و دیگران باید فعال بشوند و مسأله را بزرگش کنند تا تدریجاً این مسأله جا بیفتد. من در دانشگاه درس داشتم بعضی‌ها می‌آمدند و با تأسف، گریه می‌کردند که ویدیو خانواده ما را اصلاً فلج کرده، اگر ما با این شیوه فرهنگی و اعتقادی کار کنیم و بینش افراد را بالا ببریم، مضرات این مسأله را تعیین کنیم و حرمت آن را برای افراد روشن نماییم، به توفیق نزدیک خواهیم شد.

آقای توسلی زاده: چرا وظیفه که داریم ولی مسأله این است که ما صرفاً می‌گوییم با ممنوعیت دیشهای ماهواره، مشکلمان حل نمی‌شود، به دلیل اینکه خیلی چیزهای ممنوع هست که خیلی‌ها دارند و از آن استفاده هم می‌کنند. این همه مفسد اجتماعی که در گوشه و کنار داریم یک نمونه است. آمارها و گزارشها موجود هست و از آن طرف هم قانون چهارچوب را تعریف کرده.

ما برای ممانعت از عوارض منفی این پدیده باید راه و روشهای دیگری پیدا کنیم که بتوانیم ضریب اطمینان و یقین خانواده‌ها را قوی کنیم و خود به خود ایجاد مصونیت بنماییم. خود حاج آقا تقوی مطالبی را در روزنامه‌ها نوشته‌اند و در جاهای دیگر هم بحث کرده‌اند. پیشنهاد ما این است که باید با ابزار و امکانات مختلفی که به کار می‌گیریم، اعتقاد افراد را تقویت کنیم، مضرات این پدیده‌ی نورسیده را به خانواده‌ها هشدار بدهیم که خودشان خود جوش از سرایت ابتدال، جلوگیری نمایند و از فساد و ترویج آن ممانعت کنند و اجرای دقیق و همه‌گیر این کار هم صرفاً از طریق قانون محقق نمی‌شود، بلکه باید در تلویزیون و رادیو، سخنرانیها و بحثها به اشکال گوناگون مطرح بشود که مردم به ارزشها و ضدارزشها در این رابطه پی ببرند و عقلانی و شرعی با



میرزا محمد

محمدناصر توسلی زاده، نماینده
تربت حیدریه و عضو کمیسیون
نهادهای انقلاب اسلامی :

* خطر ماهواره‌ها از جنبه‌های
گوناگون بسیار جدی است، زیرا
به صورت عمیق و مخرب بر
مسائل اجتماعی، فرهنگی،
اقتصادی و معاشرتهای یومیه‌ی
مردم اثر منفی می‌گذارد.

* پیشنهاد ما این است که باید با
ابزار و امکانات مختلفی که به
کار می‌گیریم، اعتقاد افراد را
تقویت کنیم و مضرات این
پدیده‌ی نو رسیده را به
خانواده‌ها هشدار دهیم.

□ مجلس و پژوهش: آقای
توسلی زاده در تأثیر تخریبی
تلویزیونهای ماهواره‌ای - یعنی
تقریباً در اکثر کانالهای فعلی آن -
تردیدی ندارند لیکن تأکید دارند که با
این شیوه‌ها نمی‌توانیم به تنهایی
متکی باشیم که مردم را در مقابل آن
تأثیرات مخرب «واکسینه» کرده‌ایم.
به این ترتیب به نظر می‌رسد اینجا در
مورد تأثیرات ماهواره‌ها به توافق
رسیده‌ایم. حال اجازه بدهید اینجا با
توجه به تخصص جناب دکتر کامران
موضوع قوانین «فراجو» را مورد
بحث قرار بدهیم. در مصوبه مجمع
عمومی سازمان ملل متحد که در نهم
نوامبر ۱۹۷۲ به تصویب رسیده،
صراحت دارد که: «فعالیت در زمینه
پخش مستقیم برنامه تلویزیونی در
سطح بین‌المللی یا استفاده از
ماهواره باید به روشی انجام شود که
به حقوق حاکمیت کشورها از جمله
اصل عدم دخالت، لطمه نزند و نیز با
حق هر کس برای جستجو، دریافت و
رساندن اطلاعات و نظرات چنانچه
در اسناد مربوط سازمان ملل محترم
شمرده شده است، منافات نداشته
باشد». از طرف دیگر مثلاً بانیا

خودش عمل می‌کند، نه براساس اصول. ماهواره داران می‌گویند که برنامه‌های ما اصولاً برای این مناطق نیست، برای تدابیر و مناطق خودمان است. اتفاقاً ممکن است این مطلبشان درست هم باشد اما این تدابیر به چه قیمتی تمام می‌شود؟ به قیمت اینکه فرهنگهای بومی را از بین ببرند؟ و قطعاً در کشورهای جهای سوم و در ایران اگر آنها مدعی باشند که ما این کار را نمی‌کنیم، قطعاً ادعای درستی نیست. آنها در ارتباط با جنگ خلیج فارس، از طرفی برای محیط زیست و آبریزان دل می‌سوزانند و از آن طرف هم راحت مردم را با آتش و بمب شیمیایی از بین می‌برند. پس این مواد قانونی که خوب هم هست، بیشتر جنبه صوری دارد. البته اگر ما در قوانین خود مسأله تحریم ماهواره را هم بگنجانیم باز هم باید از طریق مجامع بین‌الملل مکانیزم اجرایی‌اش را دنبال بکنیم ولی تا به حال این سازمانها به دلیل اینکه با اهداف خاصی و طبق برنامه‌های استعماری شکل گرفته و باشگاهی هست برای تأمین اهداف آنها به وجود آمده، قطعاً نمی‌تواند اهداف ما را تأمین و خواسته‌های برحقمان را با این مکانیزمها برآورده کند. ولی از نظر تئوری ما می‌توانیم شکایتی در سطح بین‌المللی بکنیم، به دیوان لاهه برویم یا در مجمع عمومی مسأله را طرح کنیم اگرچه عملاً آنها عکس‌العملشان چندان جای امیدی نیست. ما در این طرح، پیش‌بینی‌هایی کرده‌ایم ولی

«تی وی استار» در پاسخ اعتراض می‌گویند که ما مختص شما ایرانیها برنامه‌های خود را نمی‌فرستیم. به موج که نمی‌شود لگام زد! شاید در آینده هم بیایند روی فضای ایران کار بکنند. بعد بگویند نه ما داریم برای تاجیکستان می‌فرستیم! بنابراین موضوع از نظر حقوقی ابعاد پیچیده‌ای پیدا می‌کند. نظر شما در این مورد چیست؟

آقای دکتر کامران: همان طور که می‌دانید سازمانهای بین‌المللی - حالا چه در سطح منطقه و چه در سطح خارج از منطقه - یک چارچوبی دارند که از نظر هوایی هم ممکن است خوب باشد اما تجربه نشان داده (چه در گذشته که سازمان مللی ایجاد نشده بود و ملل متفق کارایی نسبی داشت و سازمانها با یک ساختار جدیدی به وجود آمدند) عملاً هر یک اهدافی را تعقیب کرده‌اند که اصولاً در جهت منافع امپراتورهای زمان بوده‌است. کما اینکه امروز قوانین بسیار خوبی ممکن است سازمان ملل داشته باشد ولی وقتی که بخواهند اجرا بکنند اگر در مرحله‌ی اجرا به منافع نیروی مداخله‌گر برخورد کند و با منافع آنها در تعارض باشد حکم مصوب را هم عملاً اجرا نمی‌کنند. شما تصور بفرمایید که از بیش از ۳۰۰ قطعنامه راجع به بوسنی صادر شده که حتی یکی از آنها هم به اجرا در نیامده است! «قدرت»، زبان و منطق خودش را دارد و مطابق شرایط و ضوابط

رسمی دولت عربستان منطبق است. این یک نوع رقابت مناسب با ماهواره تلقی می‌شود. اجازه بدهید در «ممنوعیت» تردید نداشته باشیم، اما بحث این است که «قانون» تا چه اندازه می‌تواند به تمام مشکل موجود خاتمه بدهد، مطالعاتی که گروه تکنولوژیک ما در مرکز پژوهشها کرده‌اند، نشان می‌دهد که با تحولاتی که در دیشها دارد صورت می‌گیرد، نمی‌توانیم ما اجرای ماهواره‌ها را به این ترتیب خاتمه یافته تلقی کنیم؛ اگر چه به نظر می‌آید که قانون در بیان نظام ارزشی، موفق است. جناب آقای تقوی! آیا با این اتفاقاتی که دارد در سطح جهان از نظر تکنولوژیک می‌افتد با همین «بیان ارزشی» و با قدری تبلیغات می‌توانیم با آن امواج و آن تخریبها مقابله بکنیم؟ یا باید دست به کارهای دیگر بزنیم؟

در عمل این قوانین «سالبه به انتفاع موضوع» است، چون اهداف آنها را تأمین نمی‌کند.

□ مجلس و پژوهش: در میان کشورهای مختلفی که با مقوله ماهواره مواجه شده‌اند شاهد انواع «واکنشهای» گوناگون هستیم. جایی مثل ژاپن ممنوعیت ماهواره را خیلی محکم اجرا می‌کند و جالب این جاست که ژاپنیها از آن کشورهای بودند که حدود ۹ سال ماهواره‌شان بالای کره جنوبی فقط تبلیغ فرهنگ ژاپنی می‌کرد ولی خودشان به هیچ وجه حاضر نبودند که امواج ماهواره‌های امریکایی - اروپایی را در کشورشان تحمل کنند! عربستان هم دو ماه قبل به طور کامل آخرین مهلت خروج «دیشها» را از کشور اعلام کرد. در مطالعه‌ای که روی ممنوعیتها می‌کنیم، همین ممنوعیتها را هم در تنوع می‌بینیم. عربستان همزمان با آن یک شبکه داخلی راه انداخت که تولیداتش با پرداخت پول در اختیار مصرف کنندگان قرار می‌گیرد؛ یعنی فیلمهای خوب و برنامه‌های مناسب که با نظام

آقای تقوی: این داستانی که امروز در دنیا علم شده یعنی ماهواره، هویتها و فرهنگها را مورد هدف قرار می‌دهد. این جنگ با ملتهاست. بحث، بحث جنگ است، بحث چیز دیگری نیست. این یک مطلب. مطلب دیگر بحث در عرصه‌ی سیاست است که یکی از ارکان سیاست، قدرت است، قدرت هم عامل نفوذ است. در سیاست همیشه این طوری بوده، بنابراین هر کسی که قدرت بیشتری داشته باشد، نفوذ بیشتر را هم می‌تواند داشته باشد. همیشه قدرت را در عرصه‌ی سیاست، برای نفوذ به حساب

گزارش ویژه

خداشده‌دار کند و یا تغییر بدهد، حساسیت نشان می‌دهم. من معتقدم که اگر ما تبلیغاتمان به گونه‌ای باشد که حساسیت ملت‌مان را برانگیزیم و بینیم حساسیت‌های ملت در کجاهاست، پیروز خواهیم شد، هر ملتی که بخواهد استقلالش در معرض خطر نیفتد، حساس می‌شود. هر ملتی که بخواهد ملیتش خداشده‌دار نشود، حساس می‌شود. این حالت فطری، و امر تاریخی و طبیعی است. ملت ما اگر متوجه بشود که دینش، ایمانش، تفکرش و اعتقاداتشان ضربه می‌خورد، آن‌گاه حساس می‌شود؛ منتها این قضیه در دست ماست که چه طرحی و برنامه‌ای داشته باشیم که این حساسیتها را برانگیزانیم و به بلندای همین امواج ماهواره، بلکه بالاتر از آن و تا آسمان، یک سد عظیمی از این حساسیتها را بکشیم. این چیزی است که ما باید طراحی‌اش بکنیم. البته این به معنای برخورد با صنعت نیست، این یک نوع برخورد با انسان جامعه است که نیاز به یک سلسله مقدماتی دارد که در رأس آن شناخت ملت، جامعه شناسی ملی، روانشناسی ملی و شناخت فرهنگ ملت است. براساس آن ما می‌توانیم به مقابله تهاجم برویم. با این سرعتی که این پدیده‌ی صنعتی دارد کوچکتر و فشرده‌تر و مجهزتر می‌شود باید در انتظار اختراعات جدیدتر و پیشرفته‌تری باشیم. چند روز پیش خبری خواندم که عینکهایی در آمریکا ساخته شده که عدسی خاصی در خود شیشه عینک

می‌آورند و اصلاً سیاست و سیاستمداری چیزی جز نفوذ در طرف مقابل و نزدیک کردن او به سیاستهای خود و کشاندن طرف مقابل به جایی که می‌خواهد، نیست. امروز ماهواره در اختیار هر کسی که باشد این صنعت، قدرتی به همراه می‌آورد که طبعاً از این قدرت در راستای نفوذ خودشان استفاده خواهند کرد. آیا واقعاً می‌توانیم در برابر این صنعت پیشرفته مقاومت کنیم؟ می‌توانیم موفق بشویم و با آن مقابله بکنیم؟ باید چگونه برخورد کرد؟ من معتقدم که ما در انقلاب یک شعاری دادیم و در عمل هم پیاده شد. آن شعار این بود که: «خون بر شمشیر پیروز است». آن اوایل می‌گفتند آیا شما می‌توانید با این تانکها و توپهایی که رژیم شاه انبوه، انبوه دارد با مشت‌های گره کرده و دستهای خالی مقابله بکنید؟ چیزی شبیه همین هجوم و سلطه‌ی ماهواره در شرایط امروز. اعتقاد بر این است که باید از عامل اسلام، عامل معنویت، عامل ملیت از همه‌ی این عوامل برای تقویت موضع ضد ماهواره‌ای خود استفاده بکنیم. ملیت در این تعبیر به آن معناست که به عنوان حافظ هویت ملی خود، ملت مصمم بشود غیورانه جریان نفوذ بیگانه را دفع بکند. با عامل قوی ملی باید هر شهروندی به خود و اطرافیانش بقبولاند که من متعلق به این ملت هستم، به این سرزمین وابسته‌ام و دارای فرهنگ و آداب و رسوم خاصی می‌باشم و در برابر هر فرهنگ بیگانه که بخواهد این ملیت را

● دکتر حسن کامران:
 «ژئوپلیتیک اطلاعات» یک
 عنوان شفاف است که در
 بحثهای قدیم ارتباطات، جزو
 عناصر دولت نبود، ولی امروزه
 مقوله «اطلاعات» یکی از ارکان
 پنج‌گانه‌ی دولتها شده است.

● محمدناصر توسلی زاده: ما
 اصولاً کمبود قانون در امر
 ممانعت از منهیات و منکرات
 نداریم، علاوه بر قوانین الهی و
 فتاوی آیات عظام، ادارات
 مبارزه با مفاسد اجتماعی،
 منکرات، مبارزه با قاچاق و... را
 داریم که دولت می‌تواند برای
 برخورد با دارندگان و
 فروشندگان آنتن‌های ماهواره‌ای،
 به کمک قوه قضائیه، آنتن‌ها را
 تحت هر یک از عنوانهای فوق
 برچیند و مقابل فساد و قاچاق
 کالاهای ممنوعه و منکرات را
 بگیرد.

گذاشته‌اند که کانالهای تلویزیونی را بی‌هیچ
 مزاحمتی می‌گیرد. با چنین شیوه‌هایی
 صنعت پیش می‌رود و خودش را کوچک
 می‌کند تا حضورش را در هر مکانی و در هر
 زمانی جا بدهد. اما مهمتر از این مسأله این
 است که ما این احساسات مردمان را
 بشناسیم و این چیزی است که تجربه هم
 شده و به مراتب از ماهواره هم مهمتر بوده
 است. ملت‌هایی در طول تاریخ سراغ داریم که
 بارها مورد هجوم نظامی، اقتصادی، فرهنگی
 و سیاسی قرار گرفته‌اند ولی چون حساسیت
 ملی و سنتی داشتند خودشان را حفظ
 کردند. ضمن اینکه زیر فشار تبلیغاتی عظیم
 دشمن بودند و دشمنان سعی کردند که
 هویت آنها را عوض کنند آنها مقاومت
 کردند و ایستادند. اگر این حساسیت را
 تحریک کنیم (منتها طی یک برنامه حساب
 شده و برنامه‌ریزی شده‌ی دقیق) می‌توانیم
 ملیتمان را در برابر این امواج نگه بداریم و
 سرپا بایستیم و تحریکشان کنیم. چگونه
 وقتی که یک فردی بفهمد که جان‌ش در
 خطر است، مثلاً بگویند در فلان منطقه،
 فلان بیماری آمده که واگیر دارد، اگر کسی
 مجبور بشود که پایش را توی آن منطقه

گزارش ویژه

نمایند تا در برابر این امواج کاذب و عوامفریب بایستند. در این مقطع زمانی و با این پدیده هم باید از بسیج و فرهنگ بسیجی استفاده بکنیم. این طور نباشد که همه‌اش روی تخصص برویم. شما در جنگ و برخورد با جنگ شاهد بودید که یک عده‌ای معتقد بودند که ارتش ما کلاسیک است و تنها این ارتش است که باید روبه روی ارتش مهاجم بایستد و بجنگد. اما امام در رهبری‌شان یک چیز نویی را ارائه دادند. ایشان این ملت را خوب شناخته بودند و براساس شناختشان، ملت را با یک اشاره بسیج می‌کردند و این امواج عظیم دریای انسانی را خروشان به حرکت وا می‌داشتند. حتی ماهواره‌های تجسسی و جاسوسی غرب هم در مقابل عظمت این امواج انسانی و احساسات و عشق پاک این ملت غیور، متحیر می‌شدند.

من فکر می‌کنم که واقعاً موفق خواهیم بود، بویژه اینکه ما در این جنگمان، یک محوری هم داریم که آن محور، ستون رفیع ولایت است، با اعتقادی که به این ولایت داریم و رهنمودهایی که این ولایت به ما می‌دهد، طبعاً موفقیت ما به نظر من بسیار بدیهی خواهد بود. ما این جا به حربه اعتقاد مسلح هستیم و جنگ ما این حقیقت را نشان داد. رسانه‌های ما باید یک مقداری روی این مسأله کار بکنند تا بر تواناییهای خود بیشتر اتکا کنیم. البته در کنار هر قانونی عده‌ای قانون شکن هم وجود داشته و

بگذارد، فوراً خودش را حفظ می‌کند.

البته برای مقابله، روشهای دیگر هم هست که می‌توانیم با یک برنامه ماهواره‌ای برخورد بکنیم. که البته آن روشها هم توی طرح پیشنهاد شده که یا از تلویزیون کابلی استفاده کنیم، تا برنامه‌های مناسب تصویری را به خانه‌ها بفرستیم، یا یک پالایشگاهی درست کنیم که برنامه‌های ماهواره‌ها را پالایش کند و پالایش شده‌اش را به داخل خانه‌ها بفرستیم و دیگر اینکه برنامه‌های خودی را تقویت کنیم تا اینکه ملت ما دنبال جذابیتهای و لطافتها و ظرافتهای هنری برنامه‌های تصویری بیگانه نباشد. مجلس در بودجه سال ۷۳ آمد در تبصره ۳، یک مبلغی را در نظر گرفت برای اینکه به هنرمندانمان و به مؤسسات خصوصی هنری در عرصه‌ی سینما و فیلم و... وام بدهد و کمک بکند. تبصره ۵۵ در حقیقت تبصره‌ای است که به خاطر مقابله با تهاجم فرهنگی منظور شده است. اصلاً این تبصره برای همین منظور به وجود آمده و شکل گرفته و کاری است که مجلس انجام داده و در همین طرح ممنوعیت از ماهواره، باز به صدا و سیما توصیه شده که برنامه‌هایش را با طرحی قوی و صحیح توسعه بدهد و الآن هم یک حرکتهایی را در جهت ترویج فرهنگ ملی شروع کرده‌ایم.

ان شاء الله مسؤولان ما به نتیجه مطلوب و شایسته برسند که بتوانند واقعاً این حساسیتهای را شناسایی کنند و ملت را بسیج

می‌توانیم از طریق این سازمان تغذیه کنیم و اوقات فراغت خانواده‌هایی که دنبال فیلمهای سالم ویدیویی هستند با این ترتیب پرکنیم.

میزگرد

□ مجلس و پژوهش: آقای

توسلی زاده! آقای تقوی اشاره می‌کنند به اینکه ما باید حساسیتهای مردم را برانگیزیم و از این مکانیزم پدافندی استفاده بکنیم. از سوی دیگر تئوری‌های «ارتباط شناسی» جدید تأکید دارند که رسانه‌ای مانند تلویزیون، اگر بستری از ناهنجاریها وجود داشته باشد، می‌تواند با برنامه‌های تخریبی خود اثرات فوق‌العاده وحشتناکی داشته باشد. بنابراین بستر هنجارهای اجتماعی جایگاه مهمی دارد. به نظر شما برای اینکه بتوانیم از مشکل موصوف هوشمندانه بگریزیم یا بپریم، چه کارهایی باید بکنیم؟ چگونه ناهنجاریهای رفتاری را در جامعه بزداییم تا اگر خدای نکرده تکنولوژی جدیدی هم فردا در جهت سهولت کار ماهواره سرازیر شد و برامکان دستیابی به ماهواره‌های نفوذی افزوده شد، باز مردم مقاوم باشند و کمتر تأثیر پذیر شوند؟

توسلی زاده: در تأیید فرمایش حضرت‌عالی باید عرض کنم که حرکت انبیا خودش یک شاخص است. آنها هر زمانی که مبعوث شده‌اند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحول فرهنگ مردم سرزمین خود داشته‌اند

دارند. خدا هم قانون آورد که شراب حرام است. مگر در خود کشورهای اسلامی شراب نمی‌خورند؟ آن استنادها در همه‌ی جوامع بوده است و آن درصد قانون شکن یا بی‌توجه به قوانین عرفی و شرعی را هم می‌شود به راه راست هدایت کرد و با برنامه‌های پرجاذبه‌ای که در رسانه‌های ما ارائه خواهند داد، بخصوص تلویزیون ما و نهادی مثل نهاد سینمای بومی ما می‌توانند واقعاً آنها را جذب کل جامعه بکنند. یکی از کارهای بسیار زیبایی هم که در مجلس انجام گرفته برای اینکه اوقات فراغت جوانان و خانواده‌ها را پرکند همین ایجاد سازمان رسانه‌های تصویری است که این مجلس چهارم بودجه‌اش را تصویب کرد. یعنی از محل همین بودجه فرهنگی بود که در وزارت ارشاد، سازمانی تأسیس شد که انشاءالله به توفیقاتی نایل بیاید.

البته قبول دارم که این سازمان تا این ساعت موفق نبوده، اما مجلس رسالت خودش را انجام داده و داریم نظارت می‌کنیم تا اشکالات و موانع را از سر راه برداریم. ما مسؤولان ذیربط را دعوت کردیم که بیایند و توضیح بدهند که عیب و نقص کار در کجاست تا مشکلات را سریعتر حل بکنیم و معتقدیم که شبکه ویدیویی کشور را

منظم و تمیز شده که به قول معروف، با نورافکنهای خاصی که در گوشه کنار نصب شده و راه را پرجاذبه و منور کرده، طبعاً افراد هم راه افتادند و به این سمت آمدند.

وقتی که قرآن این را بیان می‌کند که حرکت انبیا چنین است، ما هم در شرایط فعلی باید همه ابزار را به کار گیریم تا به صورت خود جوش، مردم از فرهنگ بیگانه، از مسائل ضد ارزشی متفر باشند. انقلاب ما در مقابل آن همه امواج حاکمیت طاغوت، موفق شد. در جبهه با قدرت آن چنانی که دشمنان داشتند، ما موفق شده‌ایم. در مسائل اقتصادی علی‌رغم این همه فشارها، مردم روی پای خود ایستاده‌اند و هنوز امیدوار و مصمم، قدم بر می‌دارند و دهه فجر و ایام ۲۲ بهمن، علی‌رغم آنکه کشور ما بمباران می‌گردید، وقتی که اشاره‌ای می‌شد، برای حفظ استقلال، چه حضوری جدی و با شکوهی داشتند که تمام معادلات دشمن را خنثی می‌کردند. چون این گونه شاخصها را به تجربه درحافظه‌های تاریخی جامعه داریم، بنابراین عقیده دارم که ما باید غیرت دینی و ملی مردم را تحریک کنیم.

□ مجلس و پژوهش: البته من برای سؤال هنوز پاسخی نگرفته‌ام. برای اینکه بتوانیم موجد کیفیتی در انسانها بشویم که به هیچ وجه، با

و این روش روشنی برای فرهنگ ما و مکتب ما و اسلام ما و امت اسلامی ماست. بنده هم نظرم این است که با توجه به مبانی مکتبمان اگر ما روی فطریات افراد کار کنیم (که فطرتاً انسانها، حقیقت جو و حقیقت‌گرا هستند) و فطریات آنها را با حساسیتهای ویژه، احیا کنیم، انگیزه‌های مثبت و سالم آنها را زنده کنیم، طبیعی است که به طرف ارزشهای والا گرایش پیدا می‌کنند و از ضد ارزشها گریزان و متفر می‌شوند.

اگر ما در گوشه و کنار، ناهنجاریهایی مشاهده می‌کنیم، شاید یکی از علتهای آن همین باشد که نه آن موضوع را به عنوان یک ضد ارزش توانسته‌ایم ارائه کنیم تا دقیقاً به ماهیت ضد ارزش آن پی ببرند، و نه ارزشهای واقعی را توانسته‌ایم به خوبی و روشنی ارائه بدهیم! بنده پیشنهاد این است که ما باز هم قدرت و توان عملی مبانی اعتقادی خود را نشان بدهیم و باید راهی را برویم که انبیا رفتند. مصداق آن آیه شریفه‌ای است که قرآن بیان می‌کند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» این آیه خیلی تعیین کننده است که چطور شده خود مردم به صورت خود جوش برای قسط برخاسته‌اند، نه اینکه به زور و به قصد وادار بشوند. آن چنان زمینه‌ها و شرایط آماده است و محیط چنان

حجة الاسلام والمسلمین سیدرضا تقوی: باید فرآیند و بازده رسانه‌هایمان را تا این تاریخ، تجزیه و تحلیل کنیم. به عنوان مثال، ما در سیما، برای حضور زن یا موسیقی متن، هنوز در بحث‌های فقهی وزیر بنایی، به یک وثاق مشخص نرسیده‌ایم، البته فتوای حضرت امام (ره) در مورد موسیقی، بسیار کارگشا بود و یک حد و مرزی را هم مشخص فرمودند، اما هنوز این مسأله در مجامع دینی، مخصوصاً حوزوی، حل نشده است.

محمدناصر توسلی زاده: طرح ممنوعیت استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای را برای مقابله با این پدیده که در آینده به صورت همه‌گیر و متحول، گسترده خواهد شد، کافی برای مقصود و هدف نمی‌دانم. به این دلیل که، خیلی چیزها ممنوعیت قانونی دارد ولی متأسفانه در جامعه شاهدیم که به صورت مخفی و غیرقانونی انجام می‌شود.

تحرکات تکنولوژیک، تحریک نشوند و مقاوم و پابرجا و آسیب‌ناپذیر باشند، چه باید بکنیم؟ چگونه و با چه وسیله‌ای می‌توانیم جامعه را واکسینه کنیم؟

توسلی زاده: برای آن «واکسیناسیون» مورد نظر، من معتقدم که زمینه‌های زیادی داریم. که بدانها اشراف کامل داریم. باید از آغاز روی نسل نوجوان و کودکان کار کرد. یعنی در محیط دبستان و در مدرسه راهنمایی. ما اگر از آن جا شروع کنیم که یک شرایط متعارفی برای قشر فرهنگیمان ایجاد کنیم که از آن جا شروع کنند و کار کنند، طبیعی است که بچه‌ها از همان آغاز تحصیل و رشد جسمی، خود به خود واکسینه می‌شوند. در بسیاری از کشورها این کار را کرده‌اند. مثلاً در همین آلمان شرقی طوری کار کرده بودند که کشور با آنکه زیر سلطه شوروی بود، ولی بچه‌ها دشمن خونی روسها بودند. چون از آغاز به آنها فهمانده بودند که روسها پدرانشان را کشته‌اند و خانه و سرزمینشان را اشغال و ویران کرده‌اند. از ابتدا این کار شده بود. وقتی ما بیایم از طریق خانواده‌ها، از طریق مدارس روی نسل

گزارش ویژه

فرهنگ «دیداری و شنیداری» که در ایرانیان هست؟ بهتر است بیشتر توضیح بدهم:

می‌دانیم که تلویزیون ۳ خصیصه دارد، یا خبری است یا آموزشی و یا سرگرم‌کننده. ما در ایران پس از انقلاب، حداکثر ۲۷ درصد تولیدات سرگرم‌کننده داشته‌ایم که نسبت به کشورهای دنیا، از همه پایین‌تر است. همین رقم در کشورهای مثل پاکستان ۴۲ درصد، اندونزی ۳۹ درصد، هند ۳۸ درصد است یعنی به نظر می‌سد که ما هنگام ساختن برنامه‌های تلویزیونی متوجه نیستیم که قشر عظیمی از مصرف‌کنندگان ما جوانان هستند و ما اگر پیامی داریم [که داریم] و می‌خواهیم از طریق رسانه‌های موجود، به این قشر برسانیم، باید بر بال «تفنن» و «هنر» آن را بنشانیم. چه کارهایی باید انجام داد که هم به تعبیری بازدارنده هجوم فرهنگ ابتدال باشد و هم حرکت دهنده اعتقاد و راضی‌کننده‌ی نیاز جوانان جامعه؟

تقوی: ما این را نباید فراموش کنیم که نظامی را که به وسیله حضرت امام طراحی شد و در این کشور پایه‌گذاری گردید، هیچ‌گویی مشابهی در زمانهای نزدیک به ما نداشت و در زمان و جهانی این نظام شکل گرفت که با الگوها و رفتارهای

نوجوانان کار کنیم و فرهنگ اصیلمان را جا بیندازیم و از اول غیرت ملی و اسلامی آن خیل عظیم و توانا را تقویت کنیم و خطر حضور و هجوم دشمن را به آنها تفهیم کنیم، طبیعی است که آنها از آغاز به صورت دشمن این قضایا، بار خواهند آمد.

من یک مثال دیگر هم دارم و آن اندولس است. یکی از کشورهای اسلامی بود که به آن شیوه فتح شد. وقتی ما که الان یک کشور مستقل مسلمان هستیم بیاییم خطرات این قضایای ماهواره را توضیح دهیم و مقایسه کنیم با آنچه که در آنجاها، گذشت و تفسیر کنیم، قطعاً جامعه می‌پذیرد. مخصوصاً از یک سری کشورهای پیشرفته مانند ژاپن یاد کنیم که آنها برای حفظ استقلال کشورشان با چه ظرفیتهایی وارد مبارزه شدند و پیروز گشتند، مردم ما هم متوجه می‌شوند و خصوصیات بارز و مشخص آن خصائل را به عنوان یک اصل علمی و عملی می‌پذیرند و آن را حفظ می‌کنند.

□ مجلس و پژوهش:

نمی‌خواهیم به هیچ وجه من الوجوه، از آرمانها و ایده‌آلهای مکتب خود، گامی عقب بنشینیم و اگر قرار باشد که هیچ‌گونه تسامحی روا نداریم، آیا برنامه‌های رسانه‌ها ما می‌توانند در بازار احتمالاً «پر رقابت» آینده، پیروزمند بیرون بیایند؟ آن هم با توجه به آن مشخصه و حساسیت

تاخسونت را تلطیف بکنند و از زیباییهای خداداده‌ی زن استفاده کنند و جاذبه ایجاد نمایند و حتی در تبلیغات خود از زن استفاده مادی ببرند تا پول بیشتری را به جیب بزنند و کالایی را بیشتر به فروش برسانند. ما این تفکر را قبول نداریم که با زن به نحوی رفتار کنیم که کرامت او، این گونه در لابه لای چرخهای خشن تبلیغات سرمایه‌داری له شود. ما به این روش و این شیوه اعتراض داریم، اما این حدود باید مشخص شود که آیا زن تا چه مقدار می‌تواند در صحنه حاضر شود و یا اجازه دارد از لحاظ اقتصادی و با معیارهای اسلامی و مکتبی، حضور داشته باشد. طبیعی است که این به یک بحث مفصل نیاز دارد تا ما بتوانیم مسأله را به یک جایی برسانیم که با آن معیارها، تضادی پیدا نکند.

مایک چنین مشکلاتی به خصوص در عرصه‌ی تلویزیون و به خصوص در بخش سرگرمیها و عرصه‌ی سینما داریم که اینجا باید بحث شود و چارچوبهایش هم مشخص گردد.

مطلب دیگری که باز به عنوان مشکل می‌توانیم حل کنیم این است که هنرمندان ما که در تکنیکهای هنری تخصص دارند اما نسبت به مسائل ارزشی و مبانی فقهی بیگانه‌اند، فقهای ما هم نسبت به مسائل تخصصی هنر، آن آشنایی کامل و کافی را ندارند. اینجا باید تلاش شود تا بتوان این دو قشر را به یکدیگر نزدیک کنیم. نیاز به یک حلقه اتصال است که چگونه آن مبانی

بین‌المللی در بسیاری از مسائل، به خصوص در مسائل ارزشی، در تضاد بوده و هست. پس با توجه به این نکته باید فرآیند و بازده رسانه‌ها مان را تا این تاریخ تجزیه و تحلیل کنیم. به عنوان مثال ما در سیمای، برای حضور زن یا موسیقی متن و به طور کلی موسیقی، هنوز در بحثهای فقهی و زیربنایی آن، به یک وثاق و یک نکته مشخص نرسیده‌ایم. البته آن فتوای حضرت امام راجع به موسیقی بسیار کارگشا و به موقع بود و یک حد و مرزی را هم مشخص کردند و همچنین در حکم مقام معظم رهبری به سرپرست جدید صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران «جناب آقای دکتر لاریجانی» یک تقسیم‌بندی کلی نسبت به موسیقی داشتند، اما هنوز این مسأله در جوامع دینی و علمی ما- و به خصوص حوزوی ما- حل نشده و هنوز اختلافات زیادی بین فقها و علما وجود دارد. مثلاً استفاده از حضور زن در عرصه‌ی سینما و تئاتر و هنر، این هم یک مسأله قابل توجهی است.

شما می‌دانید که در دنیا همیشه از زن به گونه‌ای استفاده می‌شود که وجود لطیف و ظریف زن را می‌آورند روی صحنه

قهارانه‌ی مادی دارند) به دنبال چنین پیامهایی هستند که ما بر آنها تأکید داریم و امروز این مسأله، یک مسأله انسانی و ارزشی است و دنیا هم تشنه این ارزش است. اگر بتوانیم با همین امکانات و این مزیت بزرگی که داریم، روی پیامهایمان کار کنیم، بسیار سریع موفق خواهیم شد و هدایتگر اندیشه‌های جوانانمان خواهیم بود و سدی رفیع در برابر مهاجمات فرهنگ استعماری رسانه‌ها، خواهیم ساخت. در این پیامها چیزی است که دنیا هم به خاطر همین پیامها به ما دل بسته است. اینکه مثلاً در فلسطین، ما را الگو قرار می‌دهند و الجزایری دنبال این است که حکومت اسلامی تشکیل بدهد و سایر کشورهای اسلامی هم همین طور هستند. در اثر ترویج و کشش همان پیامهاست. اگر بتوانیم با همین رسانه‌هایی که داریم و با همین ابزاری که داریم، این پیامهای هستی‌بخش را نه تنها به قلوب جوانان خودمان بلکه به باور همه‌ی مردم جهان منتقل بکنیم، می‌توانیم تحول بسیار عظیمی را در فرهنگ بشری به وجود آوریم.

□ مجلس و پژوهش: مجدداً از همه‌ی آقایان که در این میزگرد شرکت فرمودند سپاسگزاری می‌کنیم.

□ □ □

فکری را به مبانی عملی می‌شود نزدیک کرد تا مبانی عملی از مبانی فکری تغذیه بکند. البته تلاشهایی شده است که این دو به هم نزدیک شوند. بحثهایی هم شده، سمینارهایی هم گذاشته شده و کتابهایی هم نوشته شده، ولی کافی نیست، هنوز به آن نتیجه کافی نرسیده‌ایم. اما اینکه این مسائل مشکلات داخلی ماست و در عرصه‌ی جهانی ما با این وضع رسانه‌ها مان چگونه می‌خواهیم خودنمایی بکنیم، بحث دیگری است. درست است که از نظر فنی و تکنیکی در سطح جهان، ما کاستیهای بسیاری داریم، اما یک چیزی داریم که دنیا ندارد، ما «پیام» داریم ما حرف نو و تازه داریم. اگر ما بتوانیم آن حرفهای نو را در عرصه‌ی هنر بیاوریم و به وسیله هنر آنها را عرضه بداریم، خیلی طرفدار پیدا می‌کنیم، شاهد این مدعا، جشنواره‌هایی بوده است که یا در آن شرکت کرده‌ایم و یا در ایران بر پا شده است. جشنواره‌هایی بین المللی و فیلمهایی که (با توجه به کمبود امکانات) هنرمندان ما ساخته‌اند با شرایط عالی هنر امروز، ما در سطحی خوبی هستیم اما چون حرف جدیدی داشتیم، اینها در عرصه‌های بین‌المللی فیلم گل کردند و بالاخره درخشیدند. آنچه که ما را در عرصه‌ی بین الملل می‌تواند مطرح کند، آن پیامهای انقلاب ماست، پیامهای مکتب ماست و دنیا هم (حتی آن دنیای گرفتاری که امروزه سرمایه‌داران و زورمندان، بر آن حکومت